گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۷۴۶۶۹
سه شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۳ ۱۸:۰۲

یادداشتی به قلم علی اکبر سرباز شندی

رسمی که همچنان جان می‌گیرد

به بهانه هر گردهمایی و در تداوم یک رسم تاریخی غلط، که به اذعان بسیاری از تاریخ نویسان و کارشناسان بدعتی در رسم و رسومات است، دست به اسلحه می‌برند.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، «علی اکبر سرباز شندی» روزنامه نگار در یادداشتی به عنوان «رسمی که همچنان جان می‌گیرد» به خبرگزاری گزارش خبر آورده است؛

برایشان فرقی نمی کند که عروسی باشد یا عزا؛ به بهانه هر گردهمایی و در تداوم یک رسم تاریخی غلط، که به اذعان بسیاری از تاریخ نویسان و کارشناسان بدعتی در رسم و رسومات است دست به اسلحه می برند.

موضوعی که سخنگوی فراجا در یادداشتی به آن اشاره کرده و از فوت ۳۵ تن از شهروندان عزیزمان از سال ۱۴۰۱ تا کنون خبر داده است. صدای شلیکی که در نهایت با صدای زجه زنان و کودکان همراه شده و جشنی را به عزا تبدیل کرده یا عزایی را با عزای دیگر در هم آمیخته است.

مردم دامنه رشته‌کوه زاگرس به‌ویژه ساکنان بخش‌هایی از استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، لرستان، فارس، خوزستان و کرمان از دیرباز به دلیل شرایط خاص محیطی با سلاح‌های شکاری و بعضاً جنگی قرابتی چند ده‌ساله دارند و بالتبع آیین‌های مردمان این جغرافیا نظیر نوروز و حتی مراسم عروسی بی‌ارتباط با حضور نمادین این وسیله اغلب دردسرساز، برگزار نشده و همچنان نمی‌شود.

حال اینکه سنت حسنه ازدواج نه‌فقط در شرع ما بلکه در عرف ایرانیان همواره اهمیت فراوانی داشته و حتی در برگزاری آن بر انجام آیین‌های معنوی خاصی تأکید شده است. امری که متأسفانه در شرایط روز جامعه ما لااقل در مناطقی از کشورمان چندان به گوش نرسیده و بدان عمل نمی‌شود. هنوز هم در برخی از روستاها، خرده فرهنگ‌هایی از ایامی دور باقوت خود باقی‌مانده و برگزار شده و از قضا سینه‌به‌سینه از والدین و بزرگ‌ترها به نسل بعدی منتقل می‌شود که رسم تیراندازی در جشن عروسی یکی از این مراسم‌هاست که متأسفانه قربانی‌های زیادی را هم تاکنون به همراه داشته است.

کثرت تفنگ‌های جنگی و شکاری در جشن‌های مردمان این استان‌ها اگرچه ممکن است در دست جوانان کم سن و سال یک‌شور و هیجان غیرمعقولی را به دنبال داشته باشد اما زنگ خطری است که نه‌فقط شادی جمع قلیلی را در یک‌چشم بر هم زدنی به ماتم ابدی تبدیل می کند بلکه آن‌چنان‌که نمونه‌های فراوانی از آن در آرشیو مراجع ذیصلاح و صفحه حوادث روزنامه ها وجود دارد ممکن است موجب گرفتاری خانواده‌های بسیاری شود که تنها به نیت شرکت در یک جشن عروسی در محل حادثه حاضرشده بودند.

به راه انداختن کاروان‌های ویژه بدرقه عروس و دست بر روی ماشه یک اسلحه جنگی گذاشتن اگرچه برای افراد جمع معدودی از هم‌وطنان ما ممکن است نشاط‌آفرین باشد اما این هیجانات ناهنجار همواره به‌دوراز فرهنگ اسلامی و ایرانی ما بوده و در بیشتر موارد سلب آسایش جمعی را به همراه دارد.

در قانون مجازات اسلامی، ممنوعیت‌های بسیاری درباره حمل سلاح گرم و سرد آمده است. حمل، استفاده، خریدوفروش و قاچاق سلاح گرم ممنوع اعلام و برای آن مجازاتی در نظر گرفته‌شده است. البته برخی از افراد مجوز و پروانه‌های لازم برای حمل و نگهداری از سلاح گرم را دریافت می‌کنند و همین بهانه‌ای می‌شود برای استفاده از این سلاح‌های بدون مجوز یا مجوز دار در مراسم‌های عروسی و عزا.

وجود اسلحه غیرمجاز تلاش‌های کارشناسان و نهادهای متولی را برای ایجاد آرامش در میان جامعه از بین برده و بی‌اثر کرده است. در بسیاری از موارد روانشناسان به‌طور مکرر با مواردی مواجه می‌شوند که کودکی براثر ترس ناشی از صدای تیراندازی‌های شبانه یا درگیری‌های قومی، قبیله‌ای دچار لکنت زبان، شب‌ادراری، کابوس و بی‌خوابی شده است. بررسی ریشه‌ای و دقیق چرایی گرایش جوانان به این موضوعات، می‌تواند تأثیر به سزایی در متوقف کردن سیر افزایش و عادی‌سازی خشونت در جامعه داشته باشد. احساس خودکم‌بینی، قدرت‌نمایی، هیجان‌های کاذب ناشی از فیلم‌های سینمایی جنگی و ضعف جسمانی را می توان به عنوان بخشی از علل علاقه قشر جوان به استفاده از سلاح عنوان کرد که منجر به «نهادینه شدن خشونت» در جامعه می شود.

تکرار یک اتفاق، درجه حساسیت افراد و جامعه را نسبت به آن کمتر می‌کند به همین دلیل اگر چاره‌ای برای وجود اسلحه غیرمجاز در این استان ها اندیشیده نشود، بیم آن می‌رود کودکان و نوجوانان که درواقع پدران و مادران نسل‌های آینده هستند، حساسیت خود را به وجود اسلحه در جامعه ازدست‌داده و در یک چرخه معیوب، این موضوع می‌تواند به «نهادینه شدن خشونت» در جامعه بیانجامد.